

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ فبروری ۲۰۲۱

گرفتن ابتکار عمل و یا تشدید رقابت!؟

یکشنبه - ۱۲ دلو ۱۳۹۹ - کابل: یکی از مهمترین خبر های امروز، اعلام ورود "ولسی جرگه" به امر مذاکرات صلح با طالب از طریق تشکیل یک هیأت ۲۱ نفره زیر نظر شخص رئیس "ولسی جرگه" یعنی "میر رحمان رحمانی" بود. بر مبنای گزارشات رسانه های داخلی و خارجی، "ولسی جرگه" نارضایتی اش را از روند مذاکرات اعلام داشته، جهت تسریع روند، خود تصمیم گرفتند تا با تشکیل هیأتی، ارگ، شورای عالی مصالحه و طالب را وادار سازند تا برخورد جدی نسبت به روند به وجود آمده نمایند. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه داریم:

۱- هرگاه این واقعیت را که شخص "غنی احمدزی" نه تنها نمی خواهد و منافعی ایجاب نمی نماید تا در افغانستان صلح برقرار گردد، به کناری بگذاریم و با نیت صددرصد نیک به قضایا بنگریم، نمی توان این نکته را نادیده گرفت که "غنی احمدزی" بر مبنای شخصیت ضعیف و تلون مزاجی که بر او حاکم است، توان پیشبرد چنین روند خطیر، مهم و باریکی را نیز ندارد.

به گفته همکار قبلی ما که نوشته ام اکنون در جمع از "مابهران" به گلگشت مصروف است، این ناتوانی را "خلیلزاد" و از طریق وی ادارات تصمیم گیرنده امریکا نیز می دانند. به گفته آن همکار قبلی، "خلیلزاد" در جمع تقریباً ۲۵ الی ۳۰ از افغانها صریحاً گفته، که بزرگترین اشتباه سیاسی اش در تمام این بازه زمانی بیش از ۴ دهه، وارد ساختن این احمق کله خشک- منظورش "غنی احمدزی"- به بازی سیاسی بود. وی در همان مجلس گفته بود که "غنی احمدزی" از لحاظ شخصی ظرفیت و توان اداره خانواده ۴ نفری اش را ندارد، همین اکنون پسرش علی رغم آن که از کیسه پدر- بخوانید مردم فقیر افغانستان - کلکسیون موترهای انتیک و قدیمه ساخته است، بر مبنای خوی زشتی که پدرش دارد، حاضر نیست سلام پدرش را جواب بگوید.

۲- بر مبنای چنین شناختی از "غنی احمدزی" و ناتوانی اش در هدایت سالم روند ختم جنگ و رسیدن به صلح، از لحاظ منطقی به همان سان که تمام ساکنان کشور حق و وظیفه دارند تا منتظر عملکرد این خر بی دم نشده، خود تلاش بورزند تا جهت تضمین حیات خود و اعضای فاملی شان در روند تأمین صلح آگاهانه و قاطعانه موضع گیرند، اعضای "ولسی جرگه" دولت دست نشانده هم به مثابه فرد و هم به مثابه نهاد حق دارند، به سرنوشت صلح، که سرنوشت خودشان را نیز تعیین می دارد، برخورد فعال نمایند. به خصوص در مقطع کنونی که طالب عملاً نمایندگان اعزامی از

طرف دولت دست نشانده را با خود هم "کفو" نمی دانند و از همین رو با آنها مذاکره نمی کنند، هیأت منتخب "ولسی جرگه" می تواند امیدوار باشد که طالب آنها را به بازی بگیرد.

۳- با شناختی که از "ولسی جرگه" و اعضایش داریم، با قاطعیت می توانیم حکم نمائیم که در انتخاب و تعیین چنین هیأتی یگانه چیزی که هیچ رولی ندارد همان پاسخ به نیاز منطقی زمان است. زیرا تجربه ثابت ساخته است که "ولسی جرگه" هم از همان مواد و مصالحی ساخته شده است که حکومت اعمار شده است. یعنی در خمیره هر دو نهاد، فساد، وطنفروشی، خیانت به منافع علیای کشور، زیر پای کردن و بر گلولی توده های میلیونی کشور پای گذاشتن، چپاول و غارت دار و ندار کشور و مردم، یک سان عجین و مخلوط شده، هیچ یک از آنها هدف خدمت به مردم را در ذهن و فکر شان ندارند، از همین رو وقتی "ولسی جرگه" تصمیم می گیرد تا خود به صحنه وارد شود، نباید چنان پنداشت و یا امیدوار شد که گویا آنها به قصد خدمت به مردم از طریق قطع جنگ و خونریزی با تأمین آتش بس و در نهایت صلح کمر بسته اند، بلکه از اول باید دانست که در کنار سایر ساحات و میدانهای رقابت با حکومت و ارگ و "غنی احمدزی" می خواهند در این عرصه هم وارد رقابت گردند.

"ولسی جرگه" با این وسیله تلاش می ورزد که یا از حکومت در سایر زمینه ها امتیاز گیرد و یا در این زمینه چنان خار بغلش بگردد، که گذشته از طالب، اشغالگران نیز بیش از این نمایندگان اعزامی ارگ را اهمیت ندهند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتنجری مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!